

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۷

بررسی و تحلیل نابرابریهای توسعه در سازمان فضایی استانهای ایران

اکبر ویسی

دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند، ایران.

کریم حسین زاده دلیر*

استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند، ایران.

بختیار عزت پناه

استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند، ایران.

چکیده:

نیافته در دوره آماری ۱۳۷۵ شامل استانهای سیستان و بلوچستان، اردبیل، کهگیلویه و بویراحمد و ایلام و در دوره آماری ۱۳۸۵ شامل استانهای کرمان، کردستان، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد بوده‌اند. این نتایج حکایت از وجود نابرابریهای توسعه و شکاف شدید، بین استانهای کشوری سالهای مورد مطالعه دارد. بطوری که در مرکز کشور استانهای توسعه یافته و در نواحی پیرامونی و مرزی استانهای توسعه نیافته قرار دارند.

کلمات کلیدی: نابرابری منطقه‌ای، تحلیل عاملی، توسعه منطقه‌ای، سازمان فضایی، استانهای ایران.

۱- مقدمه

مسئله نابرابری در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه می‌باشد، به ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آنها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها، تهدیدی جدی برای حصول توسعه متعادل و متوازن مناطق است. (Shankar and shah, 2003). امروزه کشورها و مناطق مختلف جهان جهت رسیدن به توسعه پایدار، رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده‌اند.

ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه با وجود تنوع و دارا بودن استعدادها و پتانسیل‌های طبیعی و محیطی در پهنه سرزمین، نابرابری‌های زیادی در بین استانهای آن وجود دارد و اگر چه در سالهای قبل از طریق برنامه‌های مختلف توسعه سعی در رفع این نابرابری‌ها شده است ولی به دلایل مختلف همچون انتخاب الگوهای نامناسب توسعه و...، همچنان نابرابری بین استانهای ایران مشهود و ملموس است. که این امر در درازمدت می‌تواند پیامدهایی از قبیل ایجاد واگرایی در پیرامون و تمرکزگرایی شدید در مرکز و نیز به خطر انداختن اتحاد ملی و... را به همراه داشته باشد. در این مقاله به بررسی نابرابری‌های توسعه و محاسبه شدت این نابرابری‌ها در بین استانهای ایران در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، با استفاده از ۲۵ شاخص نابرابری توسعه از طریق تکنیک تحلیل عاملی، پرداخته شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از، روش تحلیل عاملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به منظور بیان فضایی نابرابری و عدم تعادل‌های منطقه‌ای از نرم افزار GIS 9.3 استفاده شده است.

بر اساس نتایج حاصله از تحقیق استانهای تهران، خراسان، سمنان و یزد در هر دو دوره (۱۳۷۵ و ۱۳۸۵) با جابه جایی رتبه در بین خود حائز رتبه‌های اول تا چهارم بوده‌اند. استانهای محروم و توسعه

سیاسی - اداری کشور ۲۵ استان موجود کشور مورد مطالعه قرار گرفته ولی چون استانهای خراسان (رضوی، شمالی، جنوبی)، قم، گلستان و قزوین در سال ۱۳۸۵ به ترتیب از استانهای خراسان، مرکزی، مازندران و زنجان مستقل شده‌اند تعداد ۳۰ استان کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

طرح مسأله:

نابرابری منطقه‌ای معضلی است که به موجب شکاف عمیق مناطق با هم و در نتیجه تفاوت در کیفیت زندگی مردم مناطق مختلف با هم شده است بنابراین یکی از دل‌مشغولیهای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران در کشورهای مختلف شناخت ابعاد، علل و عوارض نابرابری منطقه‌ای جهت کاهش و یا حذف این آفت می‌باشد. پس ابتدا باید نابرابری منطقه‌ای را شناخت، عوامل ایجاد آن را بررسی و عوارض و پیامدهای آن را تجزیه و تحلیل کرد. به طور کلی عوامل گوناگونی از جمله عوامل طبیعی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و سیاسی، نابرابریهای منطقه‌ای را ایجاد نموده و آن را تشدید می‌سازند و رسیدن به تعادل و توازن منطقه‌ای جزء از طریق شناخت و محاسبه تفاوت‌های منطقه‌ای میسر نمی‌باشد. کاهش نابرابری منطقه‌ای به دلیل داشتن تبعات اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی موضوع مهمی در بیشتر کشورها می‌باشد. "تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که اجرای برنامه ریزی توسعه ملی در کشورهای توسعه نیافته پیامدهای یکسانی نداشته و در اکثر موارد موجب بروز مشکلات و عدم تعادل‌های منطقه‌ای گشته است. (صرافی، ۱۳۷۷: ۴۶). ایران بعنوان یک کشور جهان سومی، کشوری پهناور با شرایط جغرافیایی و اقلیم‌های متفاوت و گوناگون است و این شرایط سبب پدید آمدن چشم‌اندازهای جغرافیایی متفاوتی شده است و این چشم‌اندازهای متفاوت جغرافیایی در گذر زمان، فراز و نشیب‌های فراوانی را طی کرده است و شاهد تغییرات گوناگونی بوده است به همین سبب امر توسعه در نواحی مختلف یکسان عمل نکرده و نابرابریهای را بوجود آورده است.

توزیع متعادل امکانات و خدمات، گامی در جهت از بین بردن تفاوت‌های ناحیه‌ای و پراکندگی متناسب جمعیت در سطح منطقه است (خاکپور، ۱۳۸۵). به منظور حل مسائل ناشی از عدم تعادل‌های منطقه‌ای، گام نخست شناخت و سطح بندی مناطق از نظر میزان برخورداری در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره می‌باشد (رضوانی و صحنه، ۱۳۸۴) به هر حال جهت تدوین یک زیربنای علمی و منطقی برای سیاست گذاری توسعه، لازم است ارزیابی جامعی پیرامون وضعیت موجود توسعه مناطق از نظر شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی صورت پذیرد (Yu et al., 2010) در کشور ایران نیز یکی از برنامه‌های مهم اقتصادی اجتماعی پس از انقلاب، کاهش محرومیت و رفع نابرابری بین مناطق مختلف بوده است (فطرس و بهشتی فر، ۱۳۸۵). و در این میان مسأله عدالت سرزمینی و توسعه متوازن منطقه‌ای یک ضرورت بنیادی به حساب آمده است، اما به دلایل مختلف این اهداف محقق نشده است و هنوز هم نابرابریهای سرزمینی و بویژه نابرابری فضایی و منطقه‌ای یکی از مهمترین چالش‌های توسعه کشور قلمداد می‌شود.

در ایران علی‌رغم تجربه بیش از ۶۰ سال برنامه ریزی توسعه، به دلیل غلبه اقتصاد نفتی و سایر عوامل دیگر که ریشه تاریخی و ساختاری دارند، برنامه‌های توسعه نتوانسته مظاهر عقب ماندگی را در سطوح منطقه‌ای کاهش دهد. شناخت علمی و همه جانبه امکانات و قابلیت‌ها، نارسائی‌ها و ناهماهنگی‌های استان‌های کشور به منظور ایجاد تعادل منطقه‌ای در سطح ملی و تسریع رشد و توسعه نواحی آن یک‌یاز مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند در تدوین و اجرای توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور مفید و موثر واقع شود (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹).

در این راستا با مطالعه اسنادی و تحلیل ثانویه و با استفاده از ۲۵ شاخص در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ بوسیله تحلیل عاملی نابرابریهای منطقه‌ای استانهای ایران مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر این‌که در سال ۱۳۷۵ بر اساس تقسیمات

آذربایجان شرقی، خوزستان و خراسان و محرومیت بیشتر استانهای آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، ایلام و کردستان در سال ۱۳۶۱ می‌باشد. اگر چه در فاصله سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ و در طول دوره ۶۳-۱۳۳۵ نابرابری موجود میان استانها در زمینه بسیاری از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مورد استفاده در این بررسی، کاهش یافته است؛ ولی تصویر کلی تغییر چندانی نکرده است.

- کلاتری (۱۳۷۵) در مقاله‌ای با عنوان " Identification of backward region in IRAN" با استفاده از ۱۷ شاخص توسعه اجتماعی-اقتصادی و با بکارگیری روش محاسبه ضریب محرومیت نتیجه می‌گیرد که الگوی فضایی حاکم بر محدوده مورد مطالعه، حاکی از وجود الگوی مرکز-پیرامون^۲ در توسعه منطقه‌ای است به طوری که کلیه شهرستانهای عقب مانده در نواحی حاشیه‌ای، مرزی و در مناطق کوهستانی واقع شده‌اند.

- سید یعقوب حسینی و آتوسا اسکندری (۱۳۷۹) در پژوهشی تحت عنوان رتبه‌بندی استانهای کشور از حیث برخورداری از شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی با استفاده از دو دسته متغیر توسعه و متغیر امکانات زیربنایی و اجتماعی، استانهای کشور را به روش آماری تاکسونومی، رتبه‌بندی کرده‌اند و پس از آن به وسیله ضریب همبستگی گاما، ارتباط بین متغیرها بررسی شده است. ضریب همبستگی بین رتبه‌ها در پژوهش مذکور، ۰/۵۰ است و از لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار می‌باشد.

- باتیا و رای (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای به نام ارزیابی سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی در مناطق کوچک با استفاده از ۲۳ شاخص به کمک روشهای تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به تعیین سطح توسعه ۳۸۰ بلوک در ۳۲ منطقه از هند در سال ۲۰۰۱ پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نابرابری منطقه‌ای در بین مناطق هند افزایش یافته است.

- جو آ و همکارانش (2003) با استفاده از تکنیک‌های آماری چندمتغیره تحلیل عاملی^۳ و تحلیل خوشه‌ای^۱ و با استفاده از ۳۳

در کشور ما ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، توسعه متوازن بین مناطق و استانهای کشور به عنوان یک آرمان بوده و یکی از دغدغه‌های اصلی دولتمردان و برنامه‌ریزان خصوصاً پس از انقلاب اسلامی، کاهش نابرابریهای منطقه‌ای از طریق اجرای برنامه‌های توسعه بوده است، و در این میان مسأله عدالت سرزمینی و توسعه متوازن منطقه‌ای یک ضرورت بنیادی به حساب آمده است، اما به دلایل مختلف این اهداف محقق نشده است و هنوز هم نابرابریهای سرزمینی و بویژه نابرابری فضایی و منطقه‌ای یکی از مهمترین چالش‌های توسعه کشور قلمداد می‌شود.

به راستی دلیل عدم موفقیت ایران در زمینه کاهش نابرابریهای سرزمینی مخصوصاً در بین استانها چیست؟ و چرا پس از اجرای چندین برنامه توسعه که یکی از اهداف اساسی آنها، کاهش فقر و نابرابریهای منطقه‌ای بوده است، ما هنوز شاهد وجود نابرابریها و عدم تعادلها در ابعاد مختلف و در بین استانها و مناطق مختلف کشور هستیم؟

پیشینه تحقیق:

در سالهای گذشته پژوهش‌های متعددی توسط پژوهشگران مختلف برای سنجش سطوح توسعه با استفاده از شاخص‌ها و روش‌های گوناگون انجام گرفته است. در ابتدا اکثر مطالعات بر پایه شاخص‌های اقتصادی به ویژه تولید ناخالص داخلی (GDP)^۱ انجام گرفته است و بعدها با انتقادات گسترده به استفاده از این شاخص‌ها، مجموعه‌ای از شاخص‌های با عنوان شاخص‌های ترکیبی مورد توجه قرار گرفت.

- امیر احمدی (۱۳۷۵) در تحقیقی با نام پویایی شناسی توسعه و نابرابری استانها در ایران «۱۳۶۲-۱۳۳۵» به مقایسه سطح توسعه یافتگی استانهای ایران بر اساس شاخصهای اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی طی دوره (۶۳-۱۳۳۵) پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از وجود نابرابریهای حاد میان استانهای ایران است و داده‌های وی حاکی از بهره‌مندی بیشتر استانهای

² - Core periphery

³ Factor analysis

¹ .Cross National Production

دست رشد قطبها را به سایر مناطق پخش می‌کند و نهایتاً منجر به از بین رفتن نابرابری‌ها می‌گردد (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۱۳). هیرشمن آشکار در سیاست‌گذاری بر مبنای الزام عدم دخالت دولت‌ها در کاهش نابرابری‌ها تاکید دارد، زیرا در آینده جستجو در پی کسب سود اثر جانبی خود جوش رشد را به وجود می‌آورد و جریان صنایع را به سوی مناطق عقب‌مانده ترغیب خواهد کرد (ایراندوست، ۱۳۸۴: ۶۸-۶۷).

میردال نیز می‌گوید سیاست‌های ملی در کشورهای جهان سوم موجب تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای می‌شود. باز دیگر عوامل تشدید کننده نابرابری منطقه‌ای، بافت اجتماعی سیستم فئودال حاکم در کشورهای فقیر توسعه نیافته می‌باشد که راه را برای استثمار فقرا توسط اغنیا هموار کرده‌اند (کوزنت، ۱۹۷۱: ۲۰۸) البته انتقادات زیادی بر این نظریه وجود دارد: "میسرا" آن را الگوی مناسب برای کشورهای توسعه نیافته نمی‌داند (چاند و کونار، ۱۹۹۰: ۱۵۵) و معتقد است در اکثر کشورهای در حال توسعه تعداد اندکی متروپل شهری وجود دارد که بسیاری از فعالیت‌ها و پتانسیل‌ها را در خود متمرکز کرده و ارتباط مناسبی نیز با نواحی اطراف به ویژه مناطق روستایی ندارد و به همین دلیل، این فرایند منجر به تشدید نابرابری و دوگانگی اقتصادی گردیده که اثرات نامطلوبی در روند توسعه دارد (میسرا و مابوگونج، ۱۳۶۸: ۵۳). فریدمن^۷ معتقد بود عوامل تولید تنها در مکان‌های محدودی کنار هم متمرکز می‌شوند. لذا این نقاط سلسله مراتب سکونتگاهی را شکل می‌دهند، با شکل‌گیری اولین نقاط، از طریق تخصصی شدن و تمرکز سرمایه، نیروی کار ماهر نیز متمرکز شده و موجب انباشت فعالیت‌های اقتصادی در این مراکز می‌گردد. بنابراین در این فرایند، رشد اقتصادی به صورت نامتعادل در فضا بوجود می‌آید، با گذشت زمان این فرایند تمرکزگرایی منجر به بوجود آمدن الگوی مرکز- پیرامون می‌گردد (کلاتری، ۱۳۸۰: ۵۹).

شاخص اقتصادی-اجتماعی به رتبه‌بندی مناطق پرتغال پرداخته‌اند. در این بررسی به منظور ارزیابی مناسب داده‌ها، از آزمون‌های-کیس^۲ و -بارتلت^۳ استفاده شده است. برای تصمیم‌گیری در مورد تعداد عامل‌های استخراج شده از آزمون- اسکری^۴، معیار درصد واریانس^۵ و -مقدار ویژه^۶ استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که نابرابری منطقه‌ای افزایش یافته است.

مبانی نظری تحقیق:

به نظر اکثر نئوکلاسیک‌ها، رشد نابرابر منطقه‌ای به وسیله شوک‌های خارجی که باعث عدم تعادل می‌گردد به وجود می‌آید (صباغ کرمانی، ۱۳۷۲: ۹۶) بحث تغییرات خارجی در تقاضا برای صادرات مهمترین عامل قلمداد می‌شود. زیرا صادرات محصولات هر منطقه، مهمترین عامل رشد آن منطقه است (شاگری، ۱۳۷۲: ۴۳).

پرو معتقد بود رشد یکباره و در همه جا ظاهر نمی‌شود، توسعه از نقاط معینی آغاز و پخش می‌شود و یکباره در همه جا با هم ظاهر نمی‌شود. پرو این کانونها را قطب‌های رشد خوانده است (رضوانی، ۱۳۸۲: ۲). به عقیده هیرشمن، سرمایه‌گذاری استراتژیکی در صنایع یا بخش‌های منتخب یک اقتصاد مشخص، راه برای سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و یا صنایع دیگر را هموار خواهد کرد (قره باغیان، ۱۳۸۷: ۳۰۳) و برای دستیابی به توسعه ناگزیر هستیم تا از بین طرح‌های مختلف سرمایه‌گذاری، با توجه به امکانات خود، یک یا چند طرح را انتخاب کنیم (هیرشمن، ۱۹۵۸: ۶۶). بودویل معتقد است بعد از آنکه قطب‌های رشد شکل گرفتند عوامل بازدارنده‌ای همچون محدودیت منابع در قطبهای رشد، بازده نزولی، عوامل بیرونی ناشی از ایجاد صنایع، افزایش تراکم جمعیت و عواملی از این

¹ Cluster analysis

² Kaiser - meyer - olkin

³ bartlett

⁴ scree

⁵ Percent of variance

⁶ Eigenvalue

⁷John freidman

روش تحقیق:

در این مقاله به بررسی و سنجش میزان نابرابریهای توسعه در بین استانهای کشور در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ پرداخته شده است. اطلاعات و دادههای مورد نیاز از طریق دادههای ثانویه سازمانهای رسمی از جمله (مرکز آمار ایران، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری) گردآوری شده اند. برای تجزیه و تحلیل دادهها از روشهای آمار استنباطی و تحلیلهای چند متغیره (تحلیل عاملی و...) استفاده شده است.

برای بررسی و سنجش نابرابری توسعه در بین استانهای ایران از ۲۵ شاخص مختلف جمعیتی، بهداشتی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی استفاده شده و شاخصهای هر گروه حتی المقدور طوری انتخاب شده اند که بتوانند وضعیت کلی آن بخش را به حداکثر میزان بیان نمایند.

در ایجاد شاخصهای فوق حداقل ۶۲۵ مورد داده آماری برای مقطع ۱۳۷۵ و ۷۵۰ مورد داده آماری نیز برای مقطع ۱۳۸۵ گردآوری شده است.

شاخصهای متغیر وابسته (نابرابری منطقه ای) در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ جداگانه و به تفکیک که با کمک تحلیل عاملی با روش مؤلفه های اصلی تقلیل یافته و به منظور حفظ استقلال عاملها و رفع هم خطی بین آنها از دوران روش متعامد "وریماکس" استفاده شده است و با کمک در صد واریانس تراکمی قدرت توضیح دهندگی فاکتورهای استخراج شده را مشخص کرده. سپس جمع نمرات عاملی را محاسبه و میانگین آنها را به عنوان معیاری برای سطح توسعه یافتگی استانها در نظر گرفته و بر اساس آن رتبه بندی استانها صورت می گیرد. در ادامه برای نشان دادن شدت نابرابری بین استانها ضریب تغییرات (CV) را برای تمام شاخصها در دو مقطع زمانی مورد مطالعه، محاسبه و بر اساس آن افزایش و یا کاهش نابرابری و عدم تعادل منطقه ای استانهای ایران بررسی شده است.

همه اطلاعات با استفاده از روش آماری مناسب توسط نرم افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و علاوه بر تکنیکهای آماری، به منظور بیان تصویر فضایی نابرابری و عدم تعادل منطقه ای و تحلیل سطوح و فضا در ایران از نرم افزار GIS9.3 استفاده شده است.

روش محاسبات دادهها:

تحلیل عاملی، چندین روش اضافی برای تحلیل سازهها دارد. مهمترین این روشها روش مؤلفه های اصلی است. بدین صورت که برای تحلیل دادهها، روش مؤلفه های اصلی، به وسیله یافتن یک ترکیب خطی از متغیرها (یک مؤلفه) که برای چنین تغییری در متغیرهای اصلی محاسبه می شوند آغاز می گردد. سپس مؤلفه های دیگری را پیدا می کند که برای بیشتر باقی مانده ممکن، محاسبه می شود و با مؤلفه قبلی، همبستگی ندارد و برای ادامه این روش هنوز مؤلفه های زیادی مثل متغیرهای اصلی وجود دارد. معمولاً برای بیشتر تغییرات، چندین مؤلفه محاسبه خواهد شد و این مؤلفه ها می توانند به عنوان جایگزین متغیرهای اصلی استفاده شوند. این روشها بیشتر اوقات برای کاهش تعداد متغیرها در فایل دادهها استفاده می شوند. برای اجرای تحلیل عاملی مؤلفه های اصلی، مرحله زیر را انجام می دهیم.

۱- مسیر مقابل را انتخاب می کنیم: Analyse > Data Reduction > factor Extraction را بر می گزینیم و در قسمت Method گزینه Principal Component را انتخاب می کنیم.

۳- Rotation را در جعبه محاوره Factor Analysis کلیک می کنیم.

۴- Varimax را در مجموعه Method انتخاب می کنیم. با این مراحل یک راه حل با استفاده از استخراج مؤلفه های اصلی ایجاد می شود، که برای سهولت تفسیر چرخیده است، مؤلفه های با مقادیر ویژه بزرگتر از ۱ برای فایل کاری ذخیره شده اند. نتایج آن در جداول زیر گنجانده شده است. لذا

دانش آموزان به کارکنان، نسبت دانشجویان دانشگاه دولتی، نسبت دانشجویان دانشگاه آزاد.

چ) شاخص‌های فرهنگی: شامل نسبت سالن‌های سینما، نسبت کتابخانه‌ها، عناوین کتابهای منتشره.

ح) شاخصهای اجتماعی: شامل نسبت جمعیت به تلفن، نرخ اشتغال، متوسط درآمد یک خانوار شهری، نسبت بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی.

تجزیه و تحلیل داده‌ها:

همانگونه که ذکر گردید، به منظور بررسی نابرابریهای توسعه منطقه‌ای استانهای ایران، از بیست و پنج شاخص نابرابری توسعه برای دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، جداگانه و به تفکیک با کمک تکنیک تحلیل عاملی با روش مؤلفه‌های اصلی تقلیل یافته و به منظور حفظ استقلال عاملها و رفع همخطی بین آنها از دوران روش متعامد "اوریماکس" استفاده شده و با کمک درصد واریانس تراکمی قدرت توضیح‌دهندگی فاکتورهای استخراج شده مشخص کرده سپس جمع نمرات عاملی محاسبه و میانگین آنها را به عنوان معیاری برای سطح توسعه یافتگی استانها در نظر گرفته و بر اساس آن رتبه‌بندی استانها صورت می‌گیرد. در ادامه جمع نمرات عاملی به دست آمده برای همه استانها را با هم مقایسه و اختلاف توسعه و نابرابری استان‌های کشور محاسبه و برای نشان دادن شدت نابرابری بین استانها ضریب تغییرات (CV) را برای تمام شاخص‌ها در دو مقطع زمانی مورد مطالعه، محاسبه شده است.

جهت دسترسی آسان به نتایج و تحلیل بهتر موارد زیر توضیح داده می‌شوند.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها و شیوه سنجش آنها: تعریف نظری (نابرابری منطقه‌ای)

نابرابری منطقه‌ای دارای تعاریف متعددی می‌باشد و شامل ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و سیاسی ... می‌باشد. در اینجا به ذکر تعریف نظری اشاره می‌شود.

نابرابری منطقه‌ای (regional inequality) وضعیتی است که در چارچوب آن، انسانها دسترسی نابرابری به منابع با ارزش، خدمات و موقعیتهای جامعه دارند. (سیف‌الدینی، فرانک، ۱۳۸۵: ۳۰۸)

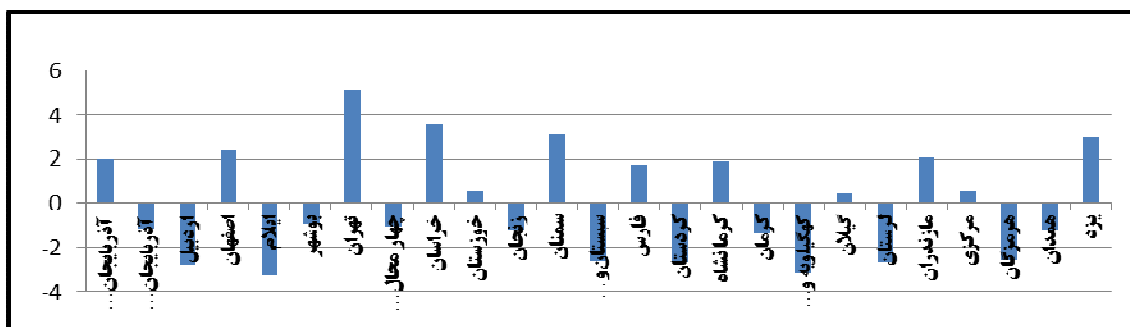
تعریف عملیاتی (نابرابری منطقه‌ای)

برای سنجش نابرابری توسعه در بین استانهای ایران از شاخص‌های مختلف زیراستفاده گردیده است.

الف) شاخص‌های جمعیتی: شامل تراکم جمعیت، درصد جمعیت شهری، تعداد آبادی مسکونی، تعداد سالانه مهاجرپذیری.

ب) شاخص‌های بهداشتی: شامل نسبت پزشک متخصص، نسبت پزشک، نسبت دندانپزشک، نسبت تخت بیمارستانی، نسبت مراکز بهداشتی روستایی، نسبت مراکز بهداشتی شهری.

ج) شاخص‌های آموزشی: شامل درصد باسوادی، درصد باسوادی زنان، نرخ باسوادی جمعیت روستایی، نسبت



نمودار (۱): رتبه استانهای کشور بر اساس فاکتورهای شش گانه روش تحلیل عاملی سال ۱۳۷۵ (مأخذ: محاسبات نگارندگان)

جدول (۱): رتبه استانهای کشور بر اساس فاکتورهای شش گانه روش تحلیل عاملی سال ۱۳۷۵

ردیف	نام استان	جمع نمرات عاملی
۱	آذربایجان شرقی	2.04
۲	آذربایجان غربی	-1.12
۳	اردبیل	-2.78
۴	اصفهان	2.44
۵	ایلام	-3.26
۶	بوشهر	-0.91
۷	تهران	5.15
۸	چهار محال بختیاری	-1.01
۹	خراسان	3.61
۱۰	خوزستان	0.57
۱۱	زنجان	-1.23
۱۲	سمنان	۱۰.3.
۱۳	سیستان و بلوچستان	-2.64
۱۴	فارس	1.75
۱۵	کردستان	-2.66
۱۶	کرمانشاه	1.89
۱۷	کرمان	-1.34
۱۸	کهگیلویه و بویر احمد	-3.15
۱۸	گیلان	0.42
۲۰	لرستان	۶-2.6
۲۱	مازندران	2.08
۲۲	مرکزی	0.53
۲۳	هرمزگان	-2.56
۲۴	همدان	-1.27
۲۵	یزد	3.01

(مأخذ: محاسبات نگارندگان)



شکل (۱): رتبه بندی استانی کشور در سال ۱۳۷۵ (مأخذ: محاسبات نگارندگان)

بیانگر نابرابری شدید منطقه‌ای و عدم تعادل و توازن منطقه‌ای در بین استانهای ایران می‌باشد. حال نوبت به بررسی سطح توسعه یافتگی استانهای کشور در سال ۱۳۸۵ می‌رسد. بر اساس تقسیمات سیاسی-اداری سال ۱۳۷۵ ایران دارای ۲۵ استان بود. در سال ۱۳۸۵ استانهای خراسان جنوبی، رضوی و شمالی از استان خراسان و استانهای قم و قزوین و گلستان نیز به ترتیب از استانهای تهران، زنجان و مازندران تفکیک و مستقل شدند. لذا در سال ۱۳۸۵ تعداد استانهای مورد بررسی ۳۰ استان هستند. لذا در این مطالعه با توجه به عدم آمار این استانها در سال ۱۳۷۵ فقط به بررسی آمار این استانها در سال ۱۳۸۵ پرداخته شده است.

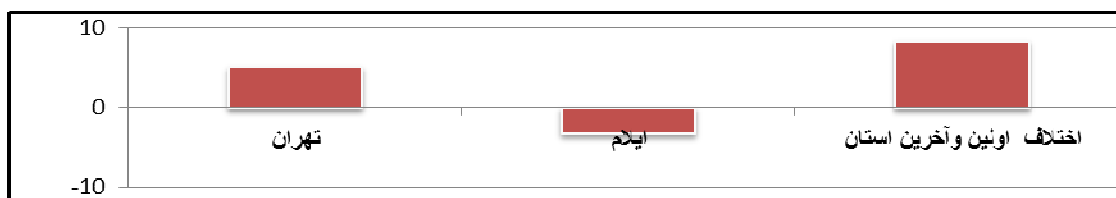
همانطور که در جدول (۱) و نمودار (۱) و شکل (۱) دیده می‌شود استانهای تهران، خراسان، سمنان و یزد به ترتیب با جمع نمرات عاملی (۵/۱۵، ۱۰/۶۱، ۳/۳، ۳/۰۱) رتبه‌های اول تا چهارم را از بین استانهای ایران به خود اختصاص داده‌اند که این رتبه‌ها بالا بودن میزان توسعه این استانها را نشان می‌دهد همچنین استانهای سیستان و بلوچستان، اردبیل، کهگیلویه و بویراحمد و ایلام به ترتیب با جمع نمرات عاملی (۲/۶۴، -۲/۷۸، -۳/۱۵، -۳/۲۶) در رتبه‌های بیست و دو، بیست و سه، بیست و چهار و بیست و پنج قرار دارند.

با توجه به جدول (۲) و نمودار (۲) در سال ۱۳۷۵ اختلاف بین اولین استان کشور و آخرین استان کشور ۸/۴۱ می‌باشد که

جدول (۲): مقایسه اختلاف رتبه اولین و آخرین استان کشور از نظر جمع نمرات عاملی در سال ۱۳۷۵

رتبه اولین استان کشور (تهران)	رتبه آخرین استان کشور (ایلام)	اختلاف اولین و آخرین استان
۵/۱۵	-۳/۲۶	۸/۴۱

(مأخذ: محاسبات نگارندگان)

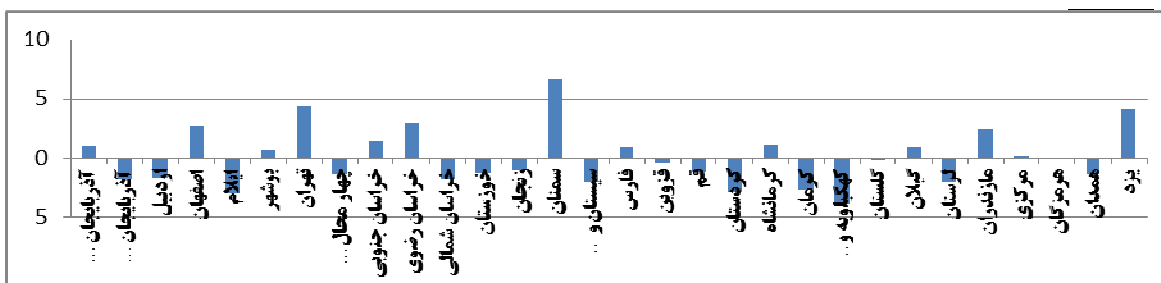


نمودار (۲): مقایسه اختلاف رتبه اولین و آخرین استان کشور از نظر جمع نمرات عاملی سال ۱۳۷۵ (مأخذ: محاسبات نگارندگان)

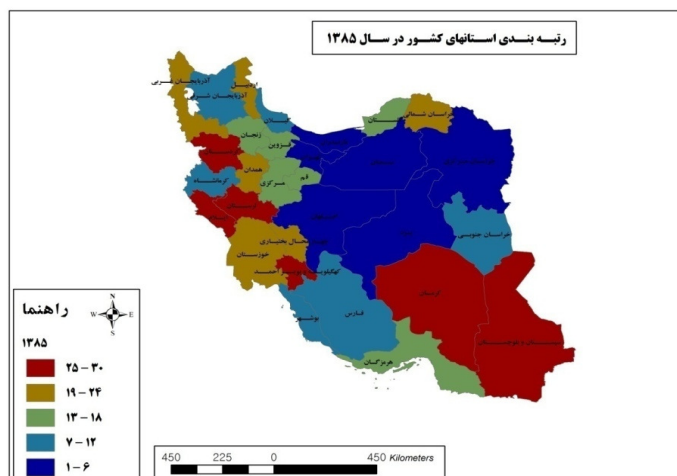
جدول (۳): رتبه استانهای کشور بر اساس فاکتورهای شش گانه روش تحلیل عاملی سال ۱۳۸۵

ردیف	استان ها	جمع نمرات عاملی	ردیف	استان ها	جمع نمرات عاملی
۱	آذربایجان شرقی	0.91	۱۶	فارس	0.85
۲	آذربایجان غربی	-1.76	۱۷	قزوین	-0.50
۳	اردبیل	-1.74	۱۸	قم	-1.20
۴	اصفهان	2.68	۱۹	کردستان	-2.92
۵	ایلام	-3.02	۲۰	کرمانشاه	۱۰.۱
۶	بوشهر	0.70	۲۱	کرمان	-2.74
۷	تهران	4.35	۲۲	کهگیلویه و بویر احمد	-3.89
۸	چهارمحال بختیاری	-1.38	۲۳	گلستان	-0.18
۹	خراسان جنوبی	1.39	۲۴	گیلان	0.87
۱۰	خراسان رضوی	2.89	۲۵	لرستان	-2.13
۱۱	خراسان شمالی	۶-1.7	۲۶	مازندران	2.35
۱۲	خوزستان	-1.24	۲۷	مرکزی	0.19
۱۳	زنجان	-1.08	۲۸	هرمزگان	۸-0.0
۱۴	سمنان	6.66	۲۹	همدان	-1.38
۱۵	سیستان و بلوچستان	-2.07	۳۰	یزد	4.13

(مأخذ: محاسبات نگارندگان)



نمودار (۳): رتبه استانهای کشور بر اساس فاکتورهای شش گانه روش تحلیل عاملی سال ۱۳۸۵ (مأخذ: محاسبات نگارندگان)



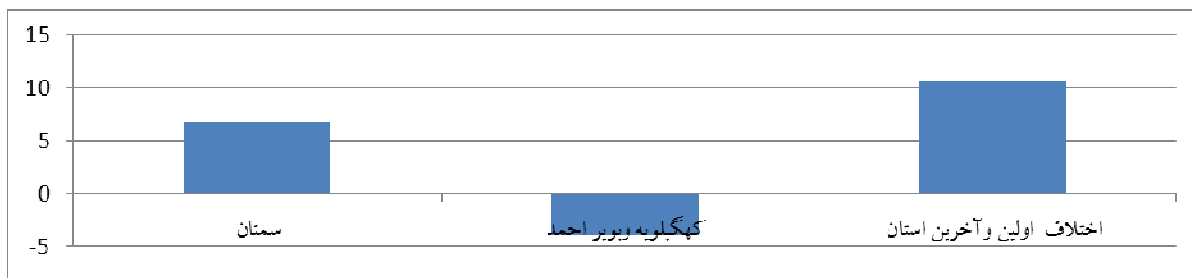
شکل (۳): رتبه بندی استانهای کشور در سال ۱۳۸۵ (مأخذ: محاسبات نگارندگان)

همانطور که در جدول (۳) و نمودار (۳) و شکل (۳) دیده می‌شود استانهای سمنان، تهران، یزد و خراسان رضوی، به ترتیب با جمع نمرات عاملی (۶/۶۶، ۱۳/۳۵، ۴/۴ و ۲/۸۹) رتبه‌های اول تا چهارم را از بین استانهای ایران به خود اختصاص داده‌اند که این رتبه‌ها بالا بودن میزان توسعه این استانها را نشان می‌دهند. همچنین استانهای کرمان، کردستان، ایلام و کهگیلویه و بویر احمد به ترتیب با جمع نمرات عاملی

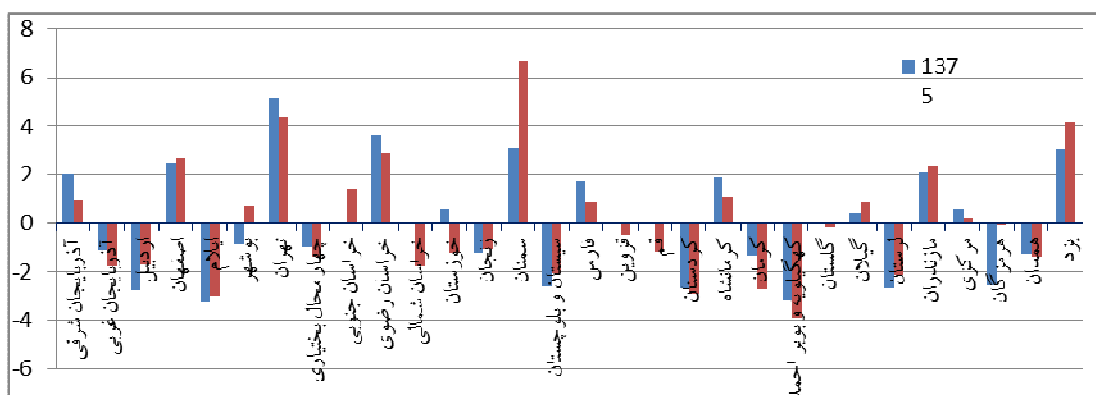
جدول (۴): مقایسه اختلاف رتبه اولین و آخرین استان کشور از نظر جمع نمرات عاملی در سال ۱۳۸۵

رتبه اولین استان کشور (سمنان)	رتبه آخرین استان کشور (کهگیلویه و بویر احمد)	اختلاف اولین و آخرین استان
۶/۶۶	-۳/۸۹	۱۰/۵۵

(مأخذ: محاسبات نگارندگان)



نمودار (۴): مقایسه اختلاف رتبه اولین و آخرین استان کشور از نظر جمع نمرات عاملی در سال ۱۳۸۵ (مأخذ: محاسبات نگارندگان)



نمودار (۵): رتبه استانها از نظر درجه توسعه منطقه‌ای در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ (مأخذ: محاسبات نگارندگان)

جدول (۵): مقایسه رتبه استانهای کشور از نظر درجه توسعه منطقه‌ای در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵

رتبه ۸۵	رتبه ۷۵	استانهای کشور	ردیف	رتبه ۸۵	رتبه 75	استانهای کشور	ردیف
۱۱	۹	فارس	۱۶	۹	۷	آذربایجان شرقی	۱
۱۶		قزوین	۱۷	۲۳	۱۵	آذربایجان غربی	۲
۱۸		قم	۱۸	۲۲	۲۳	اردبیل	۳
۲۸	۲۰	کردستان	۱۹	۵	۵	اصفهان	۴
۸	۸	کرمانشاه	۲۰	۲۹	۲۵	ایلام	۵
۲۷	۱۸	کرمان	۲۱	۱۲	۱۳	بوشهر	۶
۳۰	۲۴	کهگیلویه و بویر احمد	۲۲	۲	۱	تهران	۷
۱۵		گلستان	۲۳	۲۱	۱۴	گلستان	۲۳
۱۰	۱۲	گیلان	۲۴	۷		خراسان جنوبی	۹
۲۶	۲۱	لرستان	۲۵	۴	۲	خراسان رضوی	۱۰
۶	۶	مازندران	۲۶	۲۴		خراسان شمالی	۱۱
۱۳	۱۱	مرکزی	۲۷	۱۹	۱۰	خوزستان	۱۲
۱۴	۱۹	هرمزگان	۲۸	۱۷	۱۶	زنجان	۱۳
۲۰	۱۷	همدان	۲۹	۱	۳	سمنان	۱۴
۳	۴	یزد	۳۰	۲۵	۲۲	سیستان و بلوچستان	۱۵

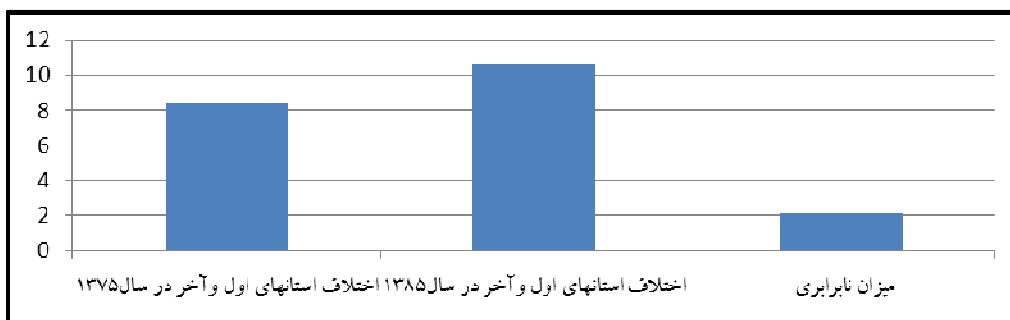
(مأخذ: محاسبات نگارندگان)

پایین‌تری در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ قرار گرفته‌اند. تغییرات سایر استانها اندک و در جدول نشان داده شده است. با توجه به جدول (۶) و نمودار (۶) در سال ۱۳۷۵ اختلاف بین استان کشور ۸/۴۱ بوده است که در سال ۱۳۸۵ به ۱۰/۵۵ افزایش پیدا کرده است که این بیانگر افزایش شکاف نابرابری توسعه منطقه‌ای و عدم تعادل و توازن منطقه‌ای در بین استانهای ایران می‌باشد.

نتایج جدول (۵) و نمودار (۵) نشان می‌دهد که استانهای سمنان، گیلان، هرمزگان، یزد، اردبیل و بوشهر توانسته‌اند رتبه توسعه خود را در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ ارتقاء دهند یعنی توانسته‌اند جایگاه خود را به بالاترین ستونهای جدول برسانند همچنین استانهای آذربایجان غربی، چهار محال بختیاری، خوزستان، کردستان، کرمان، کهگیلویه و بویر احمد، لرستان، ایلام و سیستان و بلوچستان با نزول در جایگاه

جدول (۶): مقایسه میزان نابرابری بین استانهای کشور از نظر جمع نمرات عاملی در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

میزان نابرابری	اختلاف استانهای اول و آخر در سال ۱۳۸۵	اختلاف استانهای اول و آخر در سال ۱۳۷۵
۲/۱۴	۱۰/۵۵	۸/۴۱



نمودار (۶): مقایسه میزان نابرابری بین استان کشور از نظر جمع نمرات عاملی در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ (مأخذ: محاسبات نگارندگان)

جدول (۷): مقایسه ضریب تغییرات (CV) استانهای کشور در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

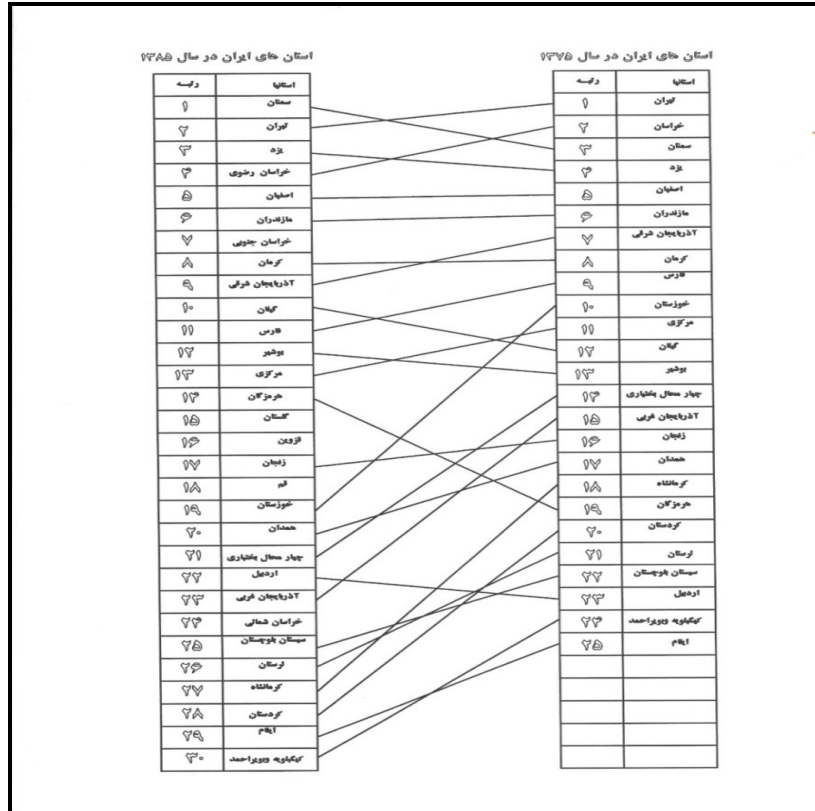
نام شاخص	پراکندگی (CV)	پراکندگی (CV)	درصد تغییرات CV به ۷۵
بیمه شدگان تامین اجتماعی	۳۴۷۶۷	393/776	359/009
متوسط درآمد یک خانوار شهری	۶/۶۳۶	225/306	218/67
نرخ اشتغال	۰/۰۴۶	0/044	-0/002
نسبت جمعیت به تلفن	۰/۰۰۸	0/064	0/056
عناوین کتابهای منتشره	۴/۰۶۹	۶۹/۴۲۵	65/356
نسبت کتابخانه	۰/۴۶۸	0/502	0/034
نسبت سالن سینما	۰/۶۳۶	۱/۴۱۰	0/774
دانشجوی آزاد	۵۵۶/۲۴۴	64/978	-491/266
دانشجوی دولتی	۴۱۵/۸۸۱	46/325	-369/556
دانش آموز به کارکنان	۰/۰۴۴	0/050	0/006
باسوادی روستایی	۰/۰۳۵	0/051	0/016
باسوادی شهری	۰/۰۵۹	0/101	0/042
درصد باسوادی زنان	۰/۰۶۸	0/112	0/044
درصد باسوادی	۰/۰۵۱	0/080	0/029
مراکز بهداشتی شهری	۰/۱۶۵	0/351	0/186
مراکز بهداشتی روستایی	۰/۴۸۴	0/537	0/053
تخت بیمارستانی	۳۱/۰۶۷	31/260	0/193
بیمارستان	۰/۲۷۴	0/328	0/054
دندانپزشک به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر	۰/۳۹۰	0/474	0/084
نسبت پزشک	۰/۳۷۵	0/378	0/003
نسبت پزشک متخصص	۰/۵۸۵	0/450	-0/135
تعداد مهاجران وارد شده	۱/۳۳۹	1/457	0/218
تعداد آبادی مسکونی	۶۹۷/۳۳۰	۷۱۰۹۸۶	13/666
درصد جمعیت شهری	۰/۱۹۶	0/198	0/002
تراکم جمعیت	۱/۶۴۷	1/545	-0/102

(مأخذ: محاسبات نگارندگان)

زیاد شدن عدم تعادل منطقه‌ای و افزایش نابرابری بین استانهای ایران می‌باشد. همچنین میزان CV شاخص‌های تعداد دانشجوی آزاد و تعداد دانشجوی دولتی در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۴۹۱/۲۶۶- و ۳۶۹/۵۵۶- کاهش داشته است که نشان می‌دهد طی سالهای ۷۵ تا ۸۵ نابرابری و عدم تعادل منطقه‌ای در بین این شاخصها کمتر و به عبارتی کاهش داشته است. تغییرات CV سایر شاخصها در سالهای مورد مطالعه (۱۳۷۵ و ۱۳۸۵) در جدول بالا نشان داده شده است.

همچنانکه در جدول (۷) دیده می‌شود از مجموع ۲۵ شاخص که برای بررسی نابرابری توسعه منطقه‌ای در بین استانهای ایران انتخاب شده است. شاخص‌های نسبت بیمه شدگان تامین اجتماعی، متوسط درآمد یک خانوار شهری، عناوین کتابهای منتشره و نسبت جمعیت به تعداد تلفن بیشترین میزان تغییر در ضریب تغییرات (CV) داشته‌اند یعنی میزان تغییر در CV سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ آنها به ترتیب ۳۵۹/۰۰۹، ۲۱۸/۶۷، ۶۵/۳۵۶ و ۰/۰۵۶ افزایش داشته است که این افزایش بیانگر

جدول (۸): مقایسه نابرابری بین استان کشور در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵



(مأخذ: محاسبات نگارندگان)

جمع بندی ونتیجه گیری:

در این مقاله در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، با استفاده از ۲۵ شاخص نابرابری توسعه از طریق تکنیک تحلیل عاملی، به مطالعه و بررسی نابرابریهای منطقه‌ای، در بین استانهای ایران و محاسبه شدت این نابرابری‌ها، طی سالهای مورد مطالعه پرداخته شد. در سال ۱۳۷۵ برای ۲۵ استان کشور تعداد ۶۲۵ داده آماری و در سال ۱۳۸۵ برای ۳۰ استان کشور تعداد ۷۵۰ داده آماری در ایجاد شاخص‌های نابرابری توسعه جمع‌آوری شده است.

نتایج به دست آمده در سال ۱۳۷۵ برای ۲۵ استان کشور نشان می‌دهد استانهای تهران، خراسان، سمنان، یزد، اصفهان و مازندران رتبه اول تا ششم و استانهای هرمزگان، کردستان، لرستان، سیستان و بلوچستان، اردبیل، کهگیلویه و بویر احمد و ایلام به ترتیب رتبه‌های نوزدهم تا بیست و پنجم را دارا بوده‌اند.

همانطوری که در جدول (۸) مشاهده شد استان تهران از رتبه یک در سال ۷۵ به رتبه دو در سال ۸۵ نزول داشته است. استان سمنان از رتبه ۳ در سال ۷۵ به رتبه یک در سال ۸۵ صعود کرده استان یزد از رتبه ۴ در سال ۷۵ به رتبه ۳ در سال ۸۵ ارتقاء یافته است. استانهای اصفهان، مازندران، کرمان در سال ۸۵ همان جایگاه خود را در سال ۷۵ حفظ کرده‌اند. استانهای خوزستان، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی و چهارمحال بختیاری در سال ۸۵ نسبت به سال ۷۵ بیشترین نزول داشته‌اند. جایگاه بقیه استانهای کشور در جدول قابل مشاهده است. به دلیل اینکه آمار استانهای خراسان (جنوبی، رضوی، شمالی) گلستان، قزوین و قم در سال ۱۳۷۵ موجود نبوده لذا رتبه این استانها فقط در سال ۱۳۸۵ محاسبه شده که در جدول بالا قابل مشاهده است.

- ۳- پاپلی، م.ح (۱۳۷۲) «تمرکز گرایی و عدم تمرکز گرایی و اثرات آن»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال هشتم، شماره دوم.
- ۴- تودارو، م (۱۳۷۷) برنامه ریزی توسعه، مدلها و روشها، عباس عرب مازار، چاپ اول، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ۵- خاکپور، ب (۱۳۸۵)، "سنجش میزان توسعه یافتگی دهستانهای شهرستان شیروان به منظور برنامه ریزی ناحیه‌ای"، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۷، صص ۳۴-۲۲.
- ۶- رضوانی، م، صحنه، ب (۱۳۸۴)، سنجش سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی با استفاده از روش منطق فازی، فصلنامه روستا و توسعه"، شماره ۸، صص ۳۲-۱.
- ۷- زیاری، ک (۱۳۸۳)، "اصول و روش‌های برنامه ریزی منطقه‌ای" یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
- ۸- زیاری، ک (۱۳۸۳) مکتبها، نظریه و مدلها در برنامه ریزی منطقه‌ای، چاپ اول، انتشارات دانشگاه یزد.
- ۹- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۳) تحلیل منطقه‌ای و سطح‌بندی سکونتگاهها، تهران: دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای.
- ۱۰- سیف‌الدینی، ف (۱۳۸۵) فرهنگ و ژگان برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای چاپ دوم، مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- ۱۱- شکوئی، ح (۱۳۷۷) دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، چاپ دهم، تهران.
- ۱۲- شیخی، م (۱۳۸۰) جایگاه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران (ضرورتها، مشکلات و طرح چند پیشنهاد) مجله سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۲۳-۲۱.
- ۱۳- صرافی، م (۱۳۷۷) مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تهران، انتشارات دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی اجتماعی.
- ۱۴- فطرس، م، ح، بهشتی، فر، م (۱۳۸۵)، تعیین سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور و نابرابری بین آن‌ها طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳، "نامه اقتصادی" شماره ۵۷، صص ۱۲۲-۱۰۱.
- ۱۵- کلاتری، خ (۱۳۸۰) برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوریا و تکنیکها)، انتشارات خوشبین، چاپ اول، تهران.
- ۱۶- کلاتری، خ (۱۳۷۵) پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی، نشر فرهنگ صبا، چاپ سوم، تهران.

این نتایج در سال ۱۳۸۵ برای ۳۰ استان کشور به این صورت است: استانهای سمنان، تهران، یزد، خراسان رضوی، اصفهان و مازندران به ترتیب رتبه اول تا ششم و استانهای سیستان و بلوچستان، لرستان، کرمان، کردستان، ایلام، کهگیلویه و بویر احمد به ترتیب رتبه‌های بیست و پنجم تا سی‌ام را داشته‌اند.

نتایج بررسی و تجزیه و تحلیل شاخصهای توسعه در سالهای مورد مطالعه بیانگر عدم تعادل و شکاف نابرابری‌های توسعه منطقه ایدر سطح وسیعی میان مناطق و استانهای کشور و حاکمیت شدید الگوی مرکز- پیرامون بر سازمان و ساختار فضایی ایران می‌باشد. استانهای مرکزی در مقایسه با استانهای پیرامونی، از درجه توسعه یافتگی بالاتر و دسترسی بیشتری به مزایای توسعه و منابع ملی دارند. این نسبت در مناطق دور از مرکز کم رنگ و در مناطق پیرامونی و مرزی به کمترین میزان می‌رسد. بطوری بیشترین استانهای توسعه نیافته کشور در نواحی پیرامونی و مرزی قرار دارند.

از آنجا که این امر با عدالت سرزمینی و اصل ۴۸ قانون اساسی "در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد به طوری که هر منطقه به فراخور استعداد رشد خود سرمایه و امکانات لازم را در دسترس داشته باشد." (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸، ۳۴) همخوانی ندارد. لذا ضرورت دارد تا سیاستگذاران و برنامه‌ریزان ملی و منطقه‌ای تمهیدات لازم را برای ارتقاء سطح توسعه استانهای محروم و رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای و رسیدن به یک رشد متعادل و متوازن در جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار فراهم نمایند.

منابع

- ۱- امیر احمدی، ب (۱۳۷۵) سیاست‌های ملی و توسعه نابرابر مناطق در ایران، مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۶۶ و ۶۵.
- ۲- بختیاری، ص (۱۳۷۶) تحلیل مقایسه‌ای از توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور، پژوهشنامه بازرگانی دانشگاه اصفهان.

- 22- Joa, o.s. and maria. m.l. (2001), A multivariate methodology to uncover regional disparities, department to de matemactical. Faculdade de ciencias tecnologicas. n.i. lisbon. Portugal,
- 23- Bhatia. Y.K; Rai. S.C (2004) Evaluation of Socio-Economic Development in Small Areas, New Delhi,
- 24- Shankar, R. and Shah, A., (2003), Bridging the Economic Divide within Countries: A Scorecard on the performance of Regional Policies in Reducing Regional Income Disparities, World Development, Vol.
- 25- Yu L., Hou X., Gao M. and Shi P., (2010), Assessment of coastal zone sustainable development: A case study of Yantai, China, Ecological Indicators
- ۱۷- کلاتری، خ (۱۳۷۵) شناسایی مناطق عقب مانده در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۸.
- 18- Sharbatoghlie. A., (1991) "Urbanization and Regional disparities in post-Revolutionary IRAN" westview press
- 19- Bhatia, y.k. and rai. S.c. (2004) Evaluation of socio economics development in small area, sponsored by planning commission
- 20- Fedorov, L. (2002) Regional Inequality and Regional polarization in Russia, 1990-99, world Development,
- 21- Noorboghsh, Farhad (2003). Human Development and Regional Disparity in India, University of Glasgow.

